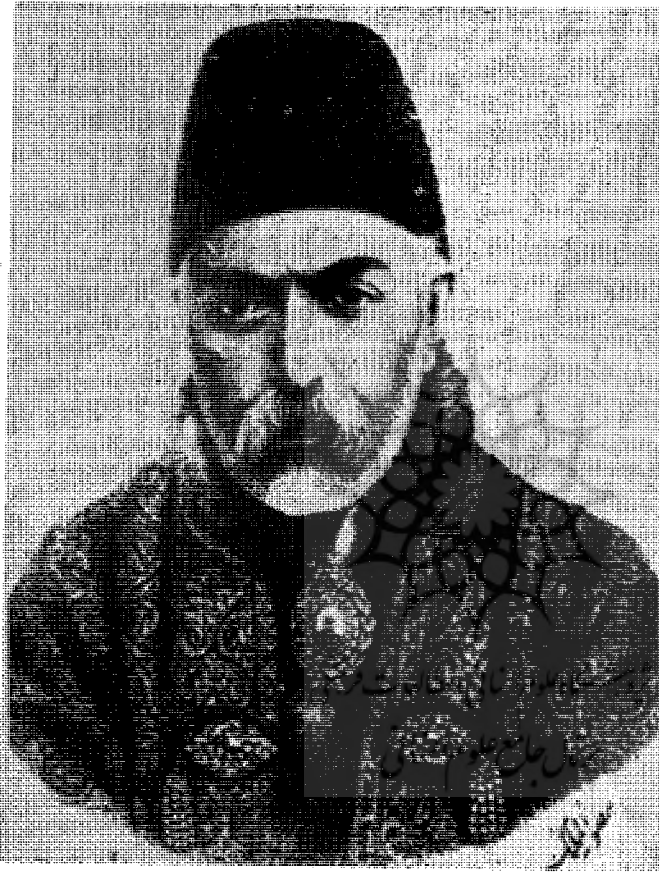


میرزا علیخان امین الدوله



در روشهای سیاسی دو گونه تاکتیک مطرح است گروهی بنیاد و اساس کار خود را در اجتماع بر شالوده اخلاقیات (مرالسم) پی ریزی می-کنند ، چه معتقدند و وقتی ضوابط راستی و درستی ، مردی و مردمی ، وفا و صفا ... بهم ریزد با سایر عوامل نمی توان نیکبختی و پیروزی و بهزیستی جوامع را تضمین کرد ، (مارک اورلیوس ، گاندی و نهره) در شمار معتقدان این دبستان هستند .

ولی در برابر اینان ما کیا و پلیستها چندان پای بند میثاق و معیارهای دوستی ، و فواید احتی و حق طلبی نیستند برای آنان

اصل هدف است . برای رسیدن به هدف هر وسیله مجاز می باشد . حال به بینیم امین الدوله در سیاست و در روابط بین دوستان و همراهان و همگامان بکدام شیوه عقیدمند است . از کسانی که امین الدوله از آغاز با آنان همراه بوده و حتی گروهی از آنان در بالا بردن و نگهداشتن منش و موقعیت او تأثیر کلی داشته اند میرزا حسین خان سپهسالار ، میرزا محسن مشیرالدوله ، محمود حکیم الملک ، محمد حسن اعتماد السلطنه ، میرزا ملکم ، سید

جمال‌الدین اسدآبادی ظل‌السلطان بوده اند که بیشتر اینان هم‌لژیست‌های او و اعضاء فراماسونری نیز بوده‌اند .

حال ببینیم پسر مجدالملک (مرشد بزرگ) با اینان چگونه سلوک کرده و تاجه حد پاس دوستی و رفاقت آنرا داشته است .

ما میرزا حسین سپهسالار را در بخشهای گذشته بخوبی شناسانیم او عضولژ گرانداوریان ولژ شماره ۱۷۵ وابسته به سازمان انگلند بود (۱) .

ما او را خدمتگزار صدیق نمی‌دانیم و دیدیم او چه تدارک‌های سنگینی برای بزرگی ما دیده بود ، ولی از لحاظ شخص امین‌الدوله وی از هواداران ارزنده او بشمار میرفت ، دیدیم باکمک او امین‌الدوله و پدرش بمقام بالاتر رسیدند و وقتی موضوع مهم دزدی الماس امین‌الدوله در حضور ناصرالدین‌شاه روی داد به اصرار امین‌السلطان و عضدالملک (علی‌رضا قاجار) ... او را از دربار راندند دراینموقع سپهسالار آنچنان به هوا خواهی او برخاست که ادامه صدارت خود را موکول بیازگرداندن امین‌الدوله کرد ، اینچنین باز دیگر امین‌الدوله موقعیت ازدست رفته را بدست آورد . پاسخ این جانب‌داری بیدریغ چیست باید چگونه در مقام جبران و حقیقت‌سازی آن برآمد ؟؟

دیدیم همینکه آفتاب قدرت سپهسالار بیاختر گرایید امین‌الدوله با نابکارترین و نابابترین افراد چون علاءالدوله ، نصیرالدوله ، صاحب‌دیوان شخصیت‌های متبحر و ضد ترقیخواهی دست بیکمی می‌کند ، وسایل برکناری حامی‌دیرین خود را فراهم می‌نماید و سپس از طرف وزارت پست برای صدراعظم تبعیدی در قزوین جاسوس می‌گمارد . تا مکاتبات او را سانسور کند .

دیدیم که امین‌الدوله به‌مراه عده‌یی يك گروه سیاسی پنهانی بوجود آورده بود تا با کمک آنان يك بنیاد قانونی و سیستم ترقیخواه سیاسی پدید آورد . یکی از لژیست‌های این گروه و همکارای سیاسی و رفقای او ظل‌السلطان (مسعود میرزا قاجار) بود .

اصل تخریب و قانون‌گروه‌های سیاسی حکم می‌کند که اولاً انسان در برگزیدن یاران و همکاران سیاسی بررسی لازم و واری موشکافانه بکنند و سپس با باورداشت و پاکدلی و یکرنگی از هم مسلکان خود و شخصیت و عقاید آنان که بمنزله اصول فکری خود اوست صمیمانه دفاع کند .

حال ببینید او درباره هم‌مسلك خود ظل‌السلطان چه می‌گوید :

امین‌الدوله در یادداشت‌های خود ظل‌السلطان را (متقلب ، غدار ، حریص ، متعدی ...) معرفی می‌کند و مینویسد : (الحق ظلم و بیداد در ادارات او اندازه نداشت) و این‌رجل ترقیخواه با این افزار و چوب بستهای خود کامگی و پلیدی میخواست سیستم حکومت قانونی و دموکراتی و حق‌طلبانه بوجود آورد .

لازمه طبیعت !!

محمد حسن اعتمادالسلطنه از دوستان نزدیک و صمیمی امین‌الدوله بود . ولی مدتی

میان آندو شکراب می‌شود ، بر آئینه روابط آندو غبار کدورت می‌نشیند که اعتماد السلطنه این قهر را ناشی از (صدمات مختصری) میدانده که از امین‌الدوله باورسیده است .
وی با ذکر علت این کم لطفی گوشه‌یی از مختصات فکری و میزان دل‌بستگی او را به دوستان و طرز تفکرش را نشان میدهد : (اما چون لازمه طبیعت امین‌الدوله مصمم صدمات است بدوستان خودشان باین واسطه متالم نبودم)
مظهر قبایح !

میرزا محسن مشیرالدوله نیای خاندان مظاهر از دوستان بسیار نزدیک و صمیمی امین -
الدوله ویا بقول مخبر السلطنه (يك مفز درد و پوست بود) امین‌الدوله می‌گفت (او دست من ، چشم من ، عقل من است) وی از عوامل اصلی و مهم سقوط اتابک (رقیب امین‌الدوله) بشمار می‌رفت .

وقتی به دنبال برکناری اتابک مشیرالدوله بعنوان وزیر خارجه کفیل دولت میشود ، مظفرالدینشاه می‌نویسد : (بدونیک این عمل را از شخص شما می‌خواهم) مشیرالدوله در اجتماع درباریان و رجال و سیاستمداران چنین نطق می‌کند : (الحمداله از دست این مرد « یعنی صدراعظم » خلاص شدیم این نطق مشیرالدوله مخصوص آن دوستی و خویشاوندی بود که با جناب میرزا علیخان امین‌الدوله پیشکار آذربایجان داشت که او بصدارت نایل شود) و بجهت این نزدیکی بود که امین بهنگام زائیدن نام مشیرالدوله (محسن) لقب معین - الملك را برای پسر خود گرفت . و برای افزایش این دوستی بی بی خانم دختر مشیرالدوله را که دختری تحصیل کرده و فرنگ‌دیده و کم مانند و بقول افضل الملك (دختری عاقله ، نابغه ، کامله و فاضله در رتبه رجال دانشمند) بود به عقد پسر کم استعدادش در آورد . اگر شما بجای امین‌الدوله می‌بودید پاداش چنین دوست‌دیرین و خویشاوند صمیمی ، تدارک دهنده صدارت را چگونه می‌دادید ؟

امین‌الدوله ما کیابولسیت همینکه بکرسی صدارت عروج کرده تنها تمام این خدمات مشیرالدوله را فراموش نمود بلکه رشته خویشاوندی را بوضع بسیار بدی برید دختر شایسته مشیرالدوله را رها کرد اشرف خانم ملقب به فخرالدوله دختر مظفرالدینشاه را برای پسرش (امین‌الدوله) گرفت .

عموم نویسندگان و پژوهندگان بشدت از این کار نامردمی امین‌الدوله بدگویی کرده‌اند .

چه خوب بود کار امین‌الدوله بهمین جا درباره دوست دیرین (چشم و دست و عقل) خود مشیرالدوله پایان می‌پذیرفت ولی وی در خاطرات خود مشیرالدوله را بپادنا ساز و دشنام

۱ - خاطرات امین‌الدوله ۹۳ - ۱۳۴

۲ - روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه ۹۱۴

۳ و ۴ - خاطرات و خطرات ۱۴۳ - ۱۴۴

۵ - افضل التواریخ

می گیرد . او را (بازکننده ارتشاه ، مظهر قبایح ۶) می خواند و حال آنکه (اکثر رجال از مشیرالدوله به نیکی یاد می کنند) ۱ .

محمود حکیم الملك جزو گروه هواخواهان سیاست بریتانیا و از دوستان نزدیک امین الدوله بود ، مجموع فعالیت ایشان راه را بر مخبر الدوله (علیقلی هدایت) و امین الدوله باز کرد و امین السلطان از صحنه سیاست و حکومت بیرون رفت ، و بخاطر همین فعالیت حکیم الملك بود که شخصیت او مورد قهر و دشمنی گروه تزار استهزا قرار گرفت ، پس از بازگشت اتابک به صدارت تقریباً بتأیید گفته و نوشته بیشترین تاریخ نویسان به حکیم الملك در رشت زهر خورنده شد .

ولی امین الدوله این دوست دیرین را نیز از خود رنجانید پس از صدارت بین آندو فاصله افتاد .

حکیم الملك درباره بیان صدارت وی چنین به داوری پرداخت (فی الواقع کمال قدرت است که انسان در این مدت قلیل اینقدر سعی و اهتمام در خرابی خودش بکند و اصرار هم داشته باشد سهل است اقدامات خودش را صحیح بداند) بقدری از امین الدوله ناراحت می شود که از خیر برکناری وی می نویسد :

دمی آب خوردن پس از بدسگال به از عمر هفتاد و هشتاد سال (۲)
معنی لذت این فرد را بنده روز پانزدهم محرم که در حقیقت مثل روز عید ملتی عموم مردم را فهمیدم .

ستم ظریف !!

(سید جمال الدین اسدآبادی) برجسته رهبران ضد استعماری شرق و هواخواه پراستوار استقرار فرمانروایی ملی و حکومت قانون در خاورزمین بود و از ایران نیز بخاطر این کوشش بی باکانه به بدترین وضع تبعید شد .

دوستی با چنین سیمای روشن برای نیاز کار و ابزار سیاست یک ماکیاویلیسم لازم است از اینرو شما می بینید امین الدوله با وی طرح دوستی می افکند ، خود را همفکر و هم رأی اونها می دهد .

در زمانیکه سید جمال الدین دست به انتشار روزنامه عروة الوثقی در اروپا می زندوی مشترک روزنامه می شود و با وی مکاتبه می کند . با اینکه ارتباط با سید کار دشواری بود ، مکاتبات افراد کنترل می شد ولی اینکار برای خود (سانسورچی) دزیر پست (امین الدوله) کار آسانی می بود .

بعد از سفر اول سید به ایران امین الدوله بهنگام عزیمت همراه شاه به اروپا در پترزبورگ با سید ملاقات می کند .

امین الدوله با پلنیک و ویژه خود ضمن همکاری بسیار ضعیف با وی همینکه سید از ایران تبعیدی می شود اندیشه های ترقیخواهانه و ضد استعماری او را (مفاسد ، دود آتش) و خود

۱ . افضل التواریخ خطی

۲ - افضل التواریخ خطی جزء ۸۸

تأجدی (بداندیش) می خواند (۱) البته بجهات گرایش ویژه امین الدوله در این مورد باید او را باو حق داد چه همه می نویسند تمهید سید از ایران خواست دیپلوماسی انگلستان بود، بهمین جهت در تمهید او حریفه مقابل می رنجند (گره گورویچ Gregorevitch) نماینده قنصلخانه روس باین عمل استعماری دولت ایران اعتراض می کند (۲) بنابر این امین الدوله نمی توانست بیهای رنجش سیمرخ ازسید هواداری کند .

این یادآوری مختصر ازسیاست ماکیاویلیستی امین الدوله بادوستان وباران خویش است بدینجهت می بینیم پژوهشگر دانشمند آقای افشارباآن ملاحظه کاری ویژه ای که دراین نوع مسائل دارد این اعمال امین الدوله را(ستم ظریفی بهمروزگاران خود) می داند(۳)

۱- خاطرات امین الدوله

۲ - فراموشخانه و فراماسونری در ایران ۴۳۹

۳ - زندگی سیاسی اتابک اعظم : مهراب امیری ۸۲

(ادامه دارد)

بقیه ازصفحه ۷۷

حرکت کردند و آقای نورالدین مجتهد عراقی خودشان هم صدنفر تقریباً سواروپیاده حرکت نموده و باتفاق بطرف نهاوند میرفتیم .

درساعت دوازده شب صاحب خانه های ما دویدند که یکنفر از عموزاده های ما را لرها کشتند تفنگ ندارند گفتیم چه خبراست دیگر گوش نداده دویدند .

معلوم بود بما چه میگردد اهالی ده تقریباً دویست سیمصد تفنگ دارند و کاملاً رشید وجسور هستند الوارشیخیه هم قریب دویست نفر هستند اینها دراین وقت شب چه خواهند کرد صدای تیرهم بلند شد وما در مقام این بودیم که اگر جنگ آنها طولانی شود وخطری متوجه شود همان شب از این جا حرکت نمائیم خصوصاً عمیده آقای حاج شیخ اسماعیل این بود بهر صورت ساعتی گذشت و اشخاصی را برای اصلاح روانه نمود و مراجعت کردند که حاجی علی اکبر

برادرحاجی علی میرزای معروف خودش رفته فتنه را خوابانید و طرفین دست از جنگ کشیده بمنازل خودبازگشت کردند . اصل نزاع راجع به پانزده تومان بوده که لری ادعا می کرده که ازجیب من است و یکی از اهالی اشترینا برداشته اند و پول را روی قرآن ریخته اند و آنمرد برداشته در تعقیب آن مطلب این جنگ برخواسته میشود . حاج علی میرزا و خانواده او صاحبان مکنت فوق العاده بودند ودراین محل هم ریاست داشته با عنوان بودند در سنه ۱۳۲۹ که قضیه سالارالدوله پیش آمد بختیاری هادراین نقطه جنگ کرده تلفات زیاد دادند و بالاخره آنجارا تصرف نموده غارت کردند یکنفر ازپسرهای حاجی علی اکبر در آن جنگ کشته شد و اموال آنها را آنچه داشتند بردند یعنی تمامی آنها را غارت کردند .

(ادامه دارد)